

میجر لانا طیشلا نم لهاد ذوعاً

میجر لانا محر لانا الله مسب

و طورشم بجاو دش ذرع هتشنگ هسلج رد
توافت مه اب، قیداصم بسد رب، قلعم و قلم
بوجولا سفن امه هک، تئیه دیقو و قلعت. دنراد
دروم تسا نکم ظاح و د هب، دیق کیر رب، تسا
دریگر ارق لاوم رظن.

و فاکم لامعاً نودب، دیق نآ قحتلوا ظاح
دیق هب نآ یجر اخ زار حارد فالکم تیلعاف نودب
ار مکد، عراش و تسا قلم بجاو نامه نیا هک
طورشم و قلم، باط، نامه زاتسا ترابع هک
هب هذ میئوگی هک قلم ام لامح) تسا هدرک
رب انب صاخ قلم بجاو حلاطصا نآ ناونع
هب طقف، هذ لوصف بحاص موحر م حلاطصا
نودب، دیق نامه هب (ی حلاطصا هذ نآ یوغذ یانعم
ناید تیفیک زام ار هلام نیا ل عاف ت ل اخذ
، دراوم نیا همه رد مینک هداقتسا میناوتی م عراش
دیق ظاح تیفیک دناوتی م لاوم و عراش ناید دوخ
ی دیق نیا یارب عراش هک دهدب ناشن اسنا هب ار
هتفرگ رظن رد ار ی ظاح هچ تسا هدر و آ هک
یارب اید تسا هدر و آ باط یارب ار دیق، تسا
بوجو یارب دیق، دشاب هدام نامه هک، بولطم
دروم رد لاثم باب نم؟ مارکا یارب دیق اید تسا
باط ظاح عراش هک مینیبی م تاگز رد اید سیمخت
هتسناد باصن دد هب لام لوصد هب طورشم ار
لاثم، دراد ریثات عراش ظاح تیفیک رد نیا و تسا
هنس هنووم زا دنان هب لام رگا میراد س مخ رد
ود هب س مخ اذل، دریگی م قلعت س مخ نآ هب دسرب

ح ابرا هب طوبرم يكي ه دش ميسقت فالتخم مسق
ص و غون داعم هب طوبرم ي رگيد و تسا بسا کم
اهنا دروم رد هک کاذ لاثماو بر حاراد مئانغ و
هک ميرادن فرع رد ي نعي تسين ي اهلاسم نينچ
درجم هب هکلب دشاب هنس هنوؤم زا جراخ دياب
مئانغ اي ندعم جارختسا اي صوغ جارختسا
ه دش ه نيز ه اجن يا رد هک ي جراخن آ ، بر حاراد
هک رادقمره ي قبا م و دوش ي م هتشاذنگ رانک ، تسا
دزادريد ار ش سمخ دياب ، ناموت چنپ ي تد دشاب

باطم مينيب ي م بسا کم ح ابرا دروم رد ي لو
سيمختار ن آ ائادتبا اجنا رد عراش دنکي م قرف
اجنا رد هنس هنوؤم رب ي داي ز هکلب تسا هدرک
رب ي داي ز هظحلام تيفيک نيا ، تسا ه دش هظحلام
دنکي م هئارا ناسنا هب ار هلاسم نيا ، هنس هنوؤم
عراش رظن ، تسين س مخ تيمک رب عراش رظن هک
دئاز لابل املا غولب دنع ، تسا سيمختلا سُ فن رب
ي دح هنس هنوؤم زا دئاز رد و ، هنسلا هنوؤم ن ع
ه ي هاگ هنس هنوؤم زا دئاز دينک صرف هتشاذنگ
، م ه تقو کي ، ناموت دص م ه ي هاگ و تسا ناموت
رب ي داي ز ي ارب ي زرم و دح عراش ، ناموتود
تيلاعف تيفيک رد هک تسا هتشاذنگ هنس هنوؤم
حبر زارحا و سمخ زارحا هب تبسن ناسنا
ره هنس هنوؤم رب دئاز هتفگ ، درانگب رثا دهاوخب
ردقچ هنس هنوؤم نيا هتفگ ، دشاب دهاوخي م رادقم
دصلاثم ، هنس هنوؤم رب دئاز دياب امتد هتفگ ؟ دشاب
، دشاب دهاوخي م هچره هتفگ ؟ هئ اي ؟ دشاب ناموت
کي دوشي من ادپ ي هنس هنوؤم رب دئاز لا اح بوخ
نيمه و دوشي م داي ز هنس هنوؤم رب دئاز ي تقو
تسا تاگز رد باصن غولب هرابرد هلاسم روط

باصند غولب يارب يدد عراشد اجنأ رد هك
اتدصد هب باصند غولب دياب امتد هك تساهتشاذنگد
،ديسر دادعتن يا هب ي شاوم رگا هك هتفگ ،هذ دسرب
رادقم نأ دراد تاكز دش رادقم نيا دراد تاكز
ار ي دحاو عي شد كيد هك نيا ،دراد تاكز دش
ن ازيم ار دحاو عي شدن آ و دنك صخشم و دودحم
تاكز دروم رد هذ دهدب رارق باصند غولب يارب
،تسيز روط نيا

از اين جا ما استفاده مي كنيم كه خود نفس
حصول قيد، مورد نظر شارع به عنوان شرط
واجب نيست، حصول قيد به عنوان شرط
الوجوب است، يعني اگر اين قيد حاصل بشود
طبعاً اين مال نسبت به او تعلق مي گيرد، زكات
نسبت به او تعلق مي گيرد، چطور اين كه ما در
مورد زكات سائمه يا معلوفه، احكام مختلف داريم
مثل: في الغنم السائمه زكاة و في المعلوفه كذا حكم
معلوفه و حكم سائمه، در كيفيت زكات، مي بينيد
فرق مي كند، معلوفه و سائمه بودن كه در اختيار
مكلف نيست، حالا يك وقتي اراضي ، اراضي
خَصَبه است و باران و مَطَر به نحو غضارة آمده،
لذا در اين جا نيازي به علوفه دادن نيست يك وقتي
نه، باران نمي آيد و صاحب مواشي ناچار است
آنها را تعليف كند و آنها را معلوفه نمايد ، و با
اين كيفيت ديگر زكات به او تعلق نمي گيرد ، در
اين جا حكم شارع بر وجوب زكات در سائمه،
در اختيار آن فرد نيست، حتي ممكن است بگوئيم
كه در اختيارش هم هست و او، هم مي تواند اغنام
و مواشي خود را در اراضي و بيابان هاي كه با
باران، علف هاي آن رشد کرده به چرا ببرد و

رعی کند و هم می‌تواند بگوید نه، نمی‌خواهم آنجا ببرم بلکه آنها را در همان مواقع و جایگاه‌های خودشان نگه می‌دارم و پول می‌دهم و علف می‌خرم می‌خواهم این کار را بکنم، اصلاً باران هم آمده، من نمی‌خواهم مواشی خودم را آنجا ببرم، شارع که نگفته حتماً ببر، شارع فقط آمده معلق کرده است این وجوب را بر سائمه بودن، نگفته که حتماً مواشیت را ببر به آنجائی که سائمه است تا با آن مواهب طبیعی و سماوی رعای بشوند در این جا ما از بیان شارع در کیفیت نصاب و در کیفیت رعای و در کیفیت بیان ارباح زائده و تخمیس بر مکاسب استفاده می‌کنیم که وجوب خمس یا وجوب، زکات به نحو واجب مطلق نیست بلکه به نحو واجب مشروط است، یعنی قید به نفس الوجوب خورده است نه به واجب، واجب، واجب، واجب است این واجب مشروط الان نه به نحو وجوب فعلی بلکه به نحو مستعداً للتکلیف و به نحو فردی که استعداد برای تکلیف را دارد فقط به همین مقدار تعلق گرفته، نه بیشتر. (الان این وجوب تخمیس برای ما هم هست، منتهی آیا ما ارباح مکاسب داریم یا نداریم؟ ممکن است تا آخر هم نداشته باشیم، ولی به نحو استعداد و قابلیت، که با آن بیان آن روز که قدرت به عنوان قدرت فلسفی بود در آنجا خوب فرق می‌کند).

تسا طورشم بجاو، بجاو نیاجن یا رد
ساسحار باطمن یا عراش نایب تیفیک زامو
ییاهلثم و هدروآهکی دهاوشو نئارقزا، مینکیم
هدرک عراش هکی نایب، تسا هدز عراش دوخ هک

نايب هنوگچ تايا رد ه دش نايب هنوگچ تاياور رد
 بوجو جارختسا و عازتنا نيا رد اهنيا همه ه دش
 رد قاطم بوجو ايد طورشم بوجو و حذ به بن آ
 ميدز هکي لائم ابرگيد و دراد ريثات هيضة نيا
 .اهنيا و تاکز و س مذل ائمه تسا ص خشم بلطم
 ي ليخ به تبسند ميناوتيم ام ار هلاسه نيمه
 هکي ماکدان آرد دينکضرف مينوگبرگيد دراوم
 ماسلاهيلع موصعم ماما روضد ربديقم و بترتم
 ،دنکيم قرف عافد ابر داهج ،داهج مکدلثم ،تسا
 هيلع موصعم ماما زا ص باخروتسد رب قلع م داهج
 رد داهج ،ماسلاهيلع ماما روضد و تسا ماسلا
 تسد هک ماسلا هيلع نامز ماما روضد طيارش
 ام رايخا رد رگيد نيا هک رو هظ نامز ،تسينام
 ات مينکب م هار فار طيارش دياب هک ميراد هتبلاتسين
 کي طقف اهنيا نمرظن ه بن کيلو دوشب اديپ هکنيا
 دروآيم ي در فر ه ي ارب هيصخش هيفيلکت ماکدا
 هياسمه نآ منک تسرد ار مدوخ ميايد لامادنم لااو
 دهاوخي م لاماد و ا دسري مذوا به متسد رگيد هک ما
 فلاخ دهاوخي م هکي صخش نلاف ،دنامد بارخ
 لايخنم اذل ،منکب جلاص ار مدوخ لامادنم ،دشاب
 ماسلا مهيلع همنأ هکي تاروتسد نيا منکيم
 بجاو و مز لا همه ربرو هظ ي ارب ايته دنا دومرف
 نيا هذتسا هيصخش فيلاکت کي طقف ي گمه ،تسا
 به تبسند هايقن اوندع به بجاو فيلاکت ،فيلاکت هک
 هک رگيد لناسم به عجار ي تد ،دشاب اياضق نيا
 رکنم زا ي هذ و فورعم به رما ي لک و حنب هايق
 به عجار هتشنگ زوردنچ هکي روط نامه تسا
 ي دج و حيصص تاياور ام دش ضرع هيضة نيا
 هصلاخ ،دريگب رارق لمات لحم دياب هک ميراد

زا جرازه كه ت سا ي الهاسم ك ي رو هظ ه لاسم
ت سام ت يد عاف و راي ت خا

الان اين همه دول در عالم هستند كه اين ها
همه به راه خلاف مي روند ما كه نمي توانيم برويم
آنها را اصلاح كنيم و دستمان نمي رسد كه اصلاح
كنيم خيلي زورمان برسد خودمان حداقل دروغ
نگوئيم ديگر كلك سر مردم نزنيم، خدعه نكنيم،
ريا نكنيم، نفاق نكنيم، خودمان را خلاصه درست
بكنيم و با يك گل هم گلستان نمي شود پس بنا بر اين
مسأله ظهور مشييت و تقدير الهي است كه بايد در
جاي خود و در وقت خودش انجام بگيرد و آن
كما ملئت ظلماً و جوراً در همه عالم اين ظلم و
جور بايد عيان باشد، البته ما هم نمي گوئيم مثل
بعضي ها كه از آن طرفي افتاده اند و مي گويند
حالا كه منوط به مآيان ظلم و جور نسبت به همه
عالم است پس بنا بر اين ما هم در اين ظلم و جور
خودمان دخالت كنيم و جلو بيانداريم و بيشتر
انتشار ظلم و جور كنيم، خدا رحمت كند مرحوم
آقاي حلبی را، خداهش بيا مرزد، آدم خوبي بود،
انجمني داشت. خب روي حسابهاي خودش بر
عليه بهائيت و اين ها ايشان مبارزه مي كرد، طبعاً
يك اختلاف سليقه هاي داشت، در يك مجلسي يكي
از دوستان كه خودش در آن مجلس بود نقل
مي كرد، مي گفت: صحبت از اين شد كه اين
انجمن حجتیه، اين ها قائلند به اين كه بايد انتشار
ظلم و انتشار فساد بشود البته چنين حرفهائي نبود
ما هم آن موقع بوديم و اين ها را مي ديديم و اين
ها از دوستان ما بودند، خوب تهمت مي زدند و
واقعاً به اين انجمن حجتیه تهمت زدند و اين طور

هم نبوده، البته از نقطه نظر سلیقه و فکر این ها قائل به این بودند که نباید يك مبارزه علنی با دستگاه طاغوت باشد، باید به این کیفیت باشد که مثلا مبارزه به نحو مبارزه دینی و مکتبی باشد که مبارزه با بهائیت و فلان و این هاست، حالا راست می گفتند یا نه، يك مطلب دیگر است ولیکن این طور نبودند که این ها بخواهند خدای نکرده مسیرشان مسیر خلاف باشد و راهشان راه ضد دین باشد نه، این مطالب نبود، خوب يك اختلافی هم بود و مشخص است که بر اساس اختلاف سلیقه کم کم همه جور مطالب و حرف و نقلی هم پیدا می شود و همه جور وصله ها هم به انسان می چسبد، همین قدر بدانند که ما از گروه و طائفه آنها نیستیم دیگر هر کفر و تکفیر و ارتداد و اینها به انسان نسبت داده می شود ولی همین که بدانند ما از این ها هستیم اگر هر چه بگوئیم باز هم حمل بر صحت و توجیه خواهد شد و همیشه همین طور بوده خلاصه این بیچاره ها مثل این که بد بیاری آورده بودند. ، این آقای حلبی گفته بود «یعنی آقایان می گویند ما در این جا فلان پروری می کنیم؟» يك اسمی آورد بود که نمی توانم بگویم اشاره به این معروف الحالها گفته بود «آقایان تصورشان این است که ما در این جا این گونه افراد را پرورش می دهیم برای این که انتشار فساد بشود انتشار ظلم و از این حرفها بشود».

نم دشا بق داصد و تسرد دیا بن اسنا هشیمه
دیزیه بد دیدرک ادیپم هار دیزیرگا ما هتفگ هشیمه
،دینزذتمهت دندرو آرگا هار رمش،دینزذتمهت
ام نلا و هدرک دیئوگذتسا هدرکنه کیری راک

خیرات ن لا هک ی ناهم لق مینیبی مذ ار نیا هنافساتم
ی اهقیلس دنتسیند ی نیما ی ا ه م لق ا ه نیا دنسیونیم
ام ی ا هه چخیرات ، دنسیونیم ی بَزَحَت دنسیونیم
و تیعقاو اب ق بطنم هذ ، دوشیم هتشون ی بزح
دوشیم هتشون هک ی ا ه خیرات نیا هب تبسن اسنا
درادن هقلاعو دامتعا

درجم حور ک ی ام ردپ موحرم دینیبب ار خیرات
زا هک ی تیصخش ن آ زا درجم حور نیا رد تشون
زا ؟ دوب ی تیصخش مادک درک فیرعت رتشیب همه
رتدورطم دارفان آ همه زا ادعب هک ی تیصخش ن آ
و لاصتا زا هطقن نیرتلااب رد لوا ی نعید ! دش
اجود ره ، هحرم زا نیرتطحنم رد دعب و برقت
ش ت ایصوصخ دوب نیا لوا نیا مه تفگ ، تفگ ار
دیسر ی ن ا ج هب دعب و تشاد ار تافص نیا دوب نیا
درفان آ دندوب ناشیا هک ی جد رفسد رد ی تد هک
ی مذ مه ش یانتعا یتح ، ناشیا تمدخ دیآیم ی تقو
وا هب و دننکی مذ انتعا دنکی م س امتلا هچر هو دننک
تسرد لابرک زا ار ن ا تراک دیاب امش هک دنیوگی م
ی مذ انتعا امش هب ن م دوشن تسرد اجنآ ات و دینک
ن ایلاس ی ن ا ج و ی میمصد قیفر ود لااح ، منک
قد هلاس ی تقوی لو ، ی دایز تا طابتر ا هچ و لاس
ناشیلاد زیچ چیه ن ا گرزب رگید ، دیآیم ولج
! مامت و دوب قد طقف ، دوبند

، رخا رخا میتشاذگ ار قد ن آ ام ، هذ ام ی لو
، هتفگ فلاخ ار ی بلطم هک مینیبی م ار ی سک لاثم
رتیت ن انچ اقا ، هتشادن مه ی دصق تخبب لاصا
، رخا ات لوا ی تشرد نیا هب مینکی م همانزور
ی بلطم هدرکن ی راک هذرن ی فرد هراچیب تخبب
مینزیم تلادعو ادخو ماسا زا مد تقوناً هتفگند

لثم ت سا روک و رک ایند همه مینکی م مه ل ایخ و
 اهنیا ،!دمهفي منده رک فردي و تار ش اهلک کبک
 مه اهنأ ،دنراد مهف اهنأ ادخ به اباب ؟دنمهفي منده ار
 ماما ،دننکی منده اگزام هزور و زامن به دنتسه مدآ
 هاگن هزور و زامن به دومرف ماسلا هیلع داجسد
 هاگن قدص به ،دینک هاگن تناما نسد به دینکنده
 مراهچ ماما فرحنیا تسینده ند فرحنیا ،دینک
 ناشدهعت و تناما نسد و مدرم قدص به ،تسام
 رد ،دوبن لا ماسلا هیلع داجسد ماما رگا دینک هاگن
 نیا به ؟تفگی م هچ عاضوا نیا به ،ناریا نیمه
 امش همه تفگی منده ؟لئاسم نیا و عضو و تانایر ج
 ار فرحنیا ؟نایعیش امش ؟دیدیند م شیر به
 می ار نیا ،درجم حور رد لادل کی لع ؟دزی منده
 هئطخت هدنسیون نیا دیآمی ار ش دوخی تندیوگ
 می بلطم هنوگره دنک هئطخت هکنیا هذ ،دنکی می
 هکی تقوی نعید ،دنکی می نایید فافش و فاصد دروآ
 داتسا دیوگی م دنکی می فرعم ار ش داتسا دهاوخی م
 دهاوخی م رگا مه نیا دیوگی م ،تسا نیا نم
 ،متسه نم می لو دنکی منده قرفن می ار بدور بد ،دور بد
 طقف و دور بد دور بد دهاوخی م متسه نم ،اهنت و کت
 می ددرگی م رب قرو هکی تقوی لو دنمی م رفن کید
 دش مامت تفر و نلاف و دش دورطم و دمآ هذ دیوگ
 مدآ ،دامتعا دروم خیرات دوشی م رگید خیرات نیا
 دنکی م دامتعا ش یا هفرح به و خیرات نیا به رگید
 همانر بیور زا هدماینرد ضرغ اب ش بلاطم هک
 شید بیور زا هدماینرد ه دشن بیعت لبق زا یاه
 ه دشن هتشون ضررف

،دلج دنچ ،دسیون می بلاقنا خیرات دلج دنچ اقا
 می لادرده !دروآ می منده ام رید موحرم زا می مسا می لو

ارچ ، هډوډن اشيا رسد ريز تان ايرج نيا ل صا هڪ
 ،تسا باتكو و باسدا به ؟ ارچ ديناد يم درواي مند
 خيراتو دندما خيراتو ل و طرد هڪ ي نيخروم ر تشيد
 و دسيوني م باتك هڪ ي ياقا نامه دنتشون ار
 به هڪ ار ي لاکشا نيلوا باتك ن آتمدقم رد ش دوخ
 ابام نيخروم هڪ تسا نيا دنكي م دراو نيخروم
 راهظا ابو ي ا هقيلسد و دنا هتشون خيراتو ضرغ
 هعمج زامن رد اقا نيمه دوخ ،دنا هتشون رظن
 لحم ديوگي م و اياضقه به عجار دنكي م تبحص
 دود ماسلا هيلع نيسد ماما ناديم رد هعقاو ن لاف
 رد هڪ ي ياجنا اباب ! درواي مند ار اقا مو حرم مسا و
 ردپ ،بلاقنا رد دود ماسلا هيلع نيسد ماما ناديم
 لکيد ش ياهت تبحص رد ي لو دود اجنا هدنکهر ادا مام
 ن ايرج لکيد به ت بسن مام ! درواي مند ار ناشيا مانا اج
 هيضق ن آ رد ن امدوخ ادعب مينكي م ضار تعا
 لئاسم دياي م ادخ هر خلا اب هتبلا ! ميوشي م راتفرگ
 تسرد ار ن امدوخ دياب مام ن کيلو دهدي م ناشن ار
 مينک .

ي م قلعم لاوم ار بجاو هڪ ي تقو نيار بانډس پ
 طار تشا و ديقته و قيلعت تيفيک زا ،ديقه لکيد رب دنک
 نيا هڪ دنكي م ساسدا ناسنا ،ديقه ن آ به بجاو ن آ
 نيا رد ؟ بجاو طرشد ايتسا بوجو طرشد ،ديقه
 طرشد هڪ ي تقو اذله ،تسا بوجو طرشد مينبيي م اج
 مزلا ناسنا ي ارب م ه ش ليصحت دش بوجو ي ارب
 نيا رگا ي نعي ،رگيد تسا بوجو طرشد ،تسيند
 دش اديپ ضر ف

ديهده م اجنا ار راک نيا دياب دينک ضر ف امش
 نيا رب ي ليلد چيه نيا ،رگيد دش ،دش رگا بخ
 بجاو دوشي م نيا تسيند ديور بل ابند امش دوخ هڪ

يتيصوصذ هچ طورشم بجاو سپ ، طورشم
 يطرشه هک تسانيا شتيصوصذ نيلوا ؟ دراد
 طرشد ، طرشدن آ دروآيم لاوم بجاو يارب هکار
 نآ ققحتردي نعي ، بجاو طرشد هذتسانبوجو
 نيان آ زالبق ، دوشي هذنز بوجو نيا ، طرشد
 ، دوشب اديپ طرشدن آ هک نيا زالبق ، هذوبذ روط
 دينک ي شكدوخ دينک ضرب ديناوتي م لاصا امش
 ن اتدوخ دشابل للاح ي شكدوخ رگا ، نيا زارتلاب
 بجاو نآ يارب طيارشد ، نيئاپ ديز ادنايد هوک زار
 و نديسر يارب تامدم ديناوتي م ديريد نيد زار
 يارب لئاسو نآ ، ديريد نيد زار ارق ديق نآ زارحا
 طرشد دوشي م نيا دينک يفتنم ديناوتي م ار لوصو
 ، بوجو يارب

هگذار نامز دناوتدي ا هچبکيرگا دينک ضرب
 نامز نيا هذنام غولب هذت عاسد کي نعي دراد
 اهنيا مينکي م ضرب دسرن غولب هذت دراد هگذار
 ، بجاو درادن لاکشا تسان ضرب ربانب شا همه
 .تسا طورشم بجاو

رد ي بوجو ي لک روطب لاصا هک ميتفگ هتبلا
 اجنآ رد ش طورشم هذ و ش قلطم هذت سين اجنآ
 تسان هکلمو مذن اونه هذ بوجو مذن و بوجو
 نيا رد ي لو ، باجيا بلس و لباقتن اونه هذ هذ
 هک ي طرشد هک تسانيا لوا تيصوصذ دروم
 تئيه طرشد ، طرشدن نيا دوشي م هذروآ بجاو يارب
 طرشد هذتسا بلط طرشد و هدام طرشد هذتسا
 نيا رومام طرشد هذتسا رما طرشد و بولطم
 ، لوا هلاس

طورشم بجاو رد هک ي مود ي تيصوصذ
 يارب طرشد ليصحت هک تسانيا دوشي م ظاحل

نآ دناوتي م ،تسا فالكم رايتخا رد بجاو قلعت
 رد دنكل ليصحت دناوتي م و دنكل ليصحت ار طرشد
 ليصحت دايز دينك ضر ف روط نيمه مه ش رادقم
 رگا دريگي م قلعت و ا به رما نآ دايز بوخ دنكب
 دياب ش نويليمود دشاب نويليم هد ش بسا كم حا برا
 دشاب نويليم صد رگا دشاب رتشيد دهدب س مخ
 رد نيا دهدب س مخ دياب ار ش نويليم تسيد
 به ديوكب و دنكل راك دناوتي م تسا ش رايتخا
 م هاوخي مند تشيد و م هاوخي م نويليم كيد هز ادنا
 رتشيد و منك معلاطم م هاوخي م رتشيد هكلب منكر راك
 ار مرسي سكات منك دايز ار مهمف و مناوخب خير ات
 مرانگب و منكر راك مورب م هاوخي مند درانگن ملاك
 ن ارگيد هچب و نزي ارب ،رگيد دارفا ي ارب

ادخي سكره دنراد ي دادخ م هاها نآ هر خلااب ،هلب
 ميهدي م ماجنا ناشيار بن امفيلكت هز ادنا به ام ،دراد
 رگيد ي هتمن دهدب ماجنا ديايد ادخ رگيد ،شا هيقب
 رگيد ،ميرانگب هيام مپئايد رگيد نآ رب هفاضا
 مينك نلافا ار ناميگدنز مينك بارخار نامباصعا
 و هفيظو هك ي رادقم نآ ،هنذ ،مينزب ار نامباوخ
 ميهدي م ماجنا رادقم نامه ميراد فيلكت

لاامد .تسا طورشم بجاو به طوبرم نيا
 رب قلعم ار مكد نآ تا قوا زا ي ضعب رد لاوم
 تسيند بوجو ي ارب ديق ،ديق نآ هك دنكي م ي ديق
 منزي م نلا لاثم كيد ،تسا بجاو ي ارب ديق هكلب
 هيضق ،دوشب نشور هيضق ود نيا لاثم نآ رد ات
 ديز كئاج نا مپئوگي م نم .دش صخشم لوا
 اجن نيا رد (دنا هدز موقه هك ي لاثم نيمه) همر كاف
 نيا ي كيد :دنك ظا حا ار نيا دناوتي م لاوم روجود
 ي ارب ديق هنذ تسا بلط ي ارب ديق ديز عي جم هك

نیا رد دننکیم حرطم دنراد موقه که چنآ ، بولطم
ی م ن م ی لو دننکیم حرطم تروصد کی به اج
منک میسقتار نا مهاوخ

دیوگب ار نیا دهاوخی م لاوم ی تقو کی دینیب
دیز رگا هم رکاف دلبلأ اذه ی ف دیز عاجنا دیوگی م
نا دیوگی م هکنیا ، نکبش مارکا دما رهشنیا رد
دیز رگا هکتسانیا شیانعم دلبلأ اذه ی ف دیز عاج
هانپرسی بنوچ تشادن ی ئاج نوچ دما اج نیا رد
مارکا وازا هک درادن اج نیا رد ار ی سک نوچ دوب
سپ همارکا کیلء بجیتسا بیرغ نوچ و دنک
، دیق رگید ، دوشی م بوجو دیق ، دیق اج نیا رد
رد نیا اج نیا رد دیز ن دما ی نعیتسینب جاو دیق
درادن ی طابتر ا لاصا م ه و ت ه ب ، تسین و ت رایتخا
دهاوخذی ای م مق دیایب دهاوخذتسا طوبرم دیز به
عی جم نیا سپ همارکا کیلء بجیتسا دما رگا دیایب
نیا رد و تسا بوجو ی ارب دیق دلبلأ اذهب دیز
دلبلأ اذهب ار دیز هک متسه فالکم ن م هذ تروصد
تفگن هک لاوم ، درادن طابتر ان م ه بنوچ مرواید
عاجنا ِتفگ رواید ریگب ار شتسد و ر ب وشد دنلب
م هرگید لاس کی اترگا هم رکاف دلبلأ اذه ی ف دیز
دما رگا ی لو ، تسین م ه مارکا دمایب بوخ ، دمایب
دینک ضر ف هکنیا لثم هم رکاف تسا بیرغ نوچ
دروم رد میراد لیبسلانبا دروم رد هک ی رماوا
میراد مهبولق هفلؤملا دروم رد دراوم زا ی رایسب
و هرطف عفد بوجو و ارقف دروم رد هک ی دراوم
لکذل اثما و ارقف ی اربب جاو ِت اقدصد و تاکز
تسا ق لطم بجاو ، اهبوجو نیا مامت هک میراد
ریقف هبتاکز عفدنیا رقف دوجو تروصد ی نعید
تاکز رگید دوبن ریقف رگا لاماد تسا بجاو

داجيا ار رقف مورب ديابذ هك ن م رگيد تسينذ بجاو
 و دوشبذ تخبذباتي كيرسي و ت منزب ردقن يا ، منك
 هب ار و ت ايب ي دش ريقف هك لامح ميوگب دعب
 ؟ منك راکچ ار تاكز ، لوپن يا مريد ن اتسر اميد
 رگيد ي اهاجر د اذل . رگيد ي كيد هب هذب و ر بذب
 روطن يا قباس رد رگيد ي اهرهش زاي ضعب رد
 دهدب ارقف هب دنتساوخي م ار تاكز ي تقو هك دوب
 دنريقف همه هك دوبذ ن لال ثم دوبذ ريقف رهش ن آرد
 دنربي م رگيد رهش هب رهش كيد زاي عقوم ن آرد
 زاي ار تاكز ، صخش ميراد تياور رد ، دندادي م
 دمآي م ار اهرهش ي كيد ي كيد تشادي مريد ن اسارخ
 ريسم مامتر د دادي م ير هب و ديسري م ير هب ات
 ت عارز همه بوخ ، تشادذ دوجو ريقف ن اسارخ
 ي لغش ، دنتشاد ت عنص ، دندر كي م راک اي دنتشاد
 ن يا جراخم ، دوبذ روطن يا عاضوا بوخ ، دنتشاد
 رازهدصتشه هناهام هناخ هراجا ، دوبذ روط
 قباس نامز ، دوبذ ناموت ن ويليم كيد و ناموت
 نامز ام ي گلاس هدفه ميراد غارسام هك ي نامز
 دوب ي ناموت كيد ات دصتفه هناخ هراجا تسا قباس
 لاکشا تسا هدش رباربرازه هدشن ي زيچ لامح
 هدرکن ي توافتي ليخ و ربارب رازهود اي دراند
 !تسا

و ديقم و قلعم اجن يا رد بوجو ن يا سپ
 دوشبذ لصاح ديابذ ن اونع ن يا تسا رقف هب طورشم
 دوشبذ لصاح درف هب تبسذ تاكز عفد بوجو ات
 تاكز لزع و تاكز ن تشانگرانك لصالصا دوخ هلب
 عفد رد تبصدي لو ، بجاو ن يا ل او مالا رياسزاي
 تسا رقف دوجو هب ديقم ن يا ل او مالا اذ ه عفد تسا
 تسان كم رگيد ن يوانع هتبلا دوبذ رقف رگا لامح

ي مرقف يور ار ثحب طقف ام ي لو دوشدن نيز گياج
 دياب ناسنا ،تسيند بجاو عفد ،دوبند ريقف ميرد
 يار بنيا دنكب ادپت سهر گاري رگيد دروم ددرگب
 تساديز عي جم ر بوجو قلعتي يارب ؟تسيچ
 تسابلطي يارب ديقه اج نيارد عي جم سفندي نعي
 اريز ندما يولج دناوتي م ناسنا اج نيارد
 دهاوخي م تسانار هت رد ديز دينك صرف دريگب
 زوردنچ ميئوگي م نارهتر دن امقيفر هب ام مق ديايد
 لاعف ميرادن ه لصوصد ام راد هگزنارهتر د ار وا
 ن م و ميراد ي سورع ه ناخرد ميراد ي يانب ه ناخرد
 ماركا ار وا تسابجاو ديايد وارگا مه تخبدي
 شرساج نامه ،موشي م رسد ربك اخ رگيد و منك
 ريب ميظعا دب عماش ، ريب شدرگ هب و نك مرگار
 نوچ ؟ ارچ درادن ل اكشا نيا ، ريب ي داند لكاراپ
 ،تسيند بجاو ديز عي جم ليصحت ،تسيند بجاو
 بجاو اج نيارد ع قوم نا ،دشل صاحب ديق نيارگا
 ار واندما يولج ي ناوتي م امش ي لو دياي م
 نادنز ،ديز ادني نادنز تقو لك هتبل ،ي ريگب
 ديز ادنيب اه نيارطاخ هب ديه اوخب تسامارح
 . دينك شماركا ،دينك مرگار شرسه ن ،نادنز

بلطي يارب ديقه ديز عي جم هك تسانيارمود
 ديز لئاج نا تسابجاو يارب ديقه هكلب تسيند
 وتزا اريز ماركا اج نيارد نم ي نعي همر كاف
 وادياب وتدما ديز رگاندم صرف ربه هاوخي م
 يراكه دما ش دوخت ساوخ هب نوچ ي نكب ماركا ار
 طابترانم هب درادن ايدراد هانپرس مرادن هانپرس هب
 يسك درادن ي طبرنم هب هنادتسه بيرغ درادن
 ديز رگارادن طابترانم هب هنادتسه دنكي م شماركا
 ماركا ار وادياب امش ناكو حن ي اب دما اج نياره

رب تسانا هدمآ انا ردا ماركا بوجو سپي نكب
 ديز روضد زاناوتي مازنا ردا يلو وا دهه
 موقه كه تسانا يزيچ نانا دنك تمنام دلبلانا ف
 نانا ميوكي مارد فكه ركيدي زيچ كي و دنركذر كذ
 تسانا رتقيقد موس تروصد ، تسانا زانا رتقيقد
 ار ماركا بوجو هدمآ لاوم هچرگانا ردا سپ
 يناوتي مامش يلو هدر ك ديز عيجم رب ديقم
 ديايدش دوخ دياب ، راد هگزن ار هتر دانا وا يئوكب
 مزلا وا راضحانا ، دينكش ماركانا ، هدمآ هكي تقو
 تسد نانا دينكبش راضحانا ديايد مامش هكي تسين
 ؟ ار چت فرگدوشي مازناش يولج يلو تسانا ش دوخ
 بوجو يارب طرش عيجم نانا مازنا ردا نوچ
 فرض يهتتم ، تسانا بجانا يارب طرش تسين
 نانا لثم تسرد تسانا ديز عيجم ، بجانا نانا قحت
 رگم سيمخلا هليل سيمخلا هليل اديز مركانا ، دنامي
 ديناوتي مامش يلو هذ ؟ تسد مامش رايخانا ردا
 ، هذ ؟ ديناوتي مازنا دينكبش يمخلا هليل زانا ريگولج
 هبسنلانا سيمخلا هليل ديايد سيمخلا هليل دير انكب دياب
 هليل ، بجانا فرض ، قلم بجانا دوشي مامش هب
 ، مامش رب تسانا بجانا نانا زانا يلو تسانا سيمخلا
 ، قلم بوجو دوشي مامش هب تسبنا بوجو نانا
 مازنا ردا ، تسانا سيمخلا هليل مه قحت فرض
 مامش ، مامش دهه رب هدمآ نانا زانا ماركانا بوجو
 تيلعفنانا يكي ، دير يگب ديناوتي مازنا ماركانا يولج
 هذ ولو دعب لاسد كي ولو هدمآ هكي تقو ؟ دنكي مادي
 نانا ردا مازنا ردا نانا ، دعب لاسد ولو دعب لاسد
 يي موس مسق كي ، دنامي م سيمخلا هليل لثم لاثم
 ادر ف يارب دشاب هكي نانا زانا رتقيقد ، تسه
 .الله اشنا

